

بررسی حکمت‌های زیارت معصومان علیهم‌السلام

محمدباقر پورامینی^۱

چکیده

زیارت معصومان علیهم‌السلام و تشرف به بارگاه ایشان، اقبال قلبی، فکری و عملی نسبت به زیارت‌شونده است و می‌توان آن را پیوند و قرارگرفتن در مدار حجج الهی دانست. در متون روایی اگر زائر به‌سوی آشنایی با معصومان علیهم‌السلام و ارتباط با ایشان در پرتو زیارت تشویق شده، آن را باید به‌عنوان فیضی الهی برای رستگاری دانست؛ زیرا حضرات معصومان علیهم‌السلام تجسم ارزش ای الهی و جلوه‌گاه انوار معنوی‌اند و رستگاری در پیوند و شناخت ایشان است. باور به زیارت در میان مسلمانان امری مورد اتفاق است و مذاهب اسلامی بر مشروعیت آن اذعان دارند هرچند ابن‌تیمیه و پیروان سلفی او بر نفی زیارت اصرار دارند و تلاش ایشان، فروکاستن جایگاه معنوی و الهی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل‌بیت علیهم‌السلام تفسیر می‌شود. در این نوشتار زیارت معصومان علیهم‌السلام از منظر چرایی و حکمت مورد بررسی قرار می‌گیرد تا ضمن درنگ در اهمیت امتداد زیارت در زندگی، بر آثار مهمی که زائر در پرتو زیارت به آن دست می‌یابد اشاره شود؛ آثار بی‌شماری که سلفیان وهابی با تلاش‌های فکری و عملی خود آن را از مسلمانان سلب می‌سازند.

کلمات کلیدی: زیارت، حکمت، بارگاه معصومان علیهم‌السلام، ابن تیمیه، مزار.

۱. عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

زیارت به معنای قصد و توجه است؛ به عبارتی زائر به منظور گرامیداشت و ارج‌گزاری و انس‌گیری با زیارت شونده، از غیر او رو برمی‌گرداند (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۳۶) و قصد دیدن وی را می‌کند (فیومی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۲۶۰)؛ زیارت را اینگونه معنا کرده‌اند:

«اینکه بر ملاقات اولیا و بزرگان اطلاق زیارت شده، از آن جهت است که این کار انحراف از جریان مادی و عدول از عالم طبیعت و توجه به عالم روحانیت است؛ درحالی که [انسان] در محیط طبیعی حضور دارد و جسمانیت خویش را حفظ می‌کند. در اصطلاح دینی، زیارت تمایلی است که افزون بر میل و حرکت حسی، قلب هم گرایش جدی پیدا کند و نسبت به زیارت‌شونده هم با اکرام و تعظیم قلبی و انس روحی همراه باشد.» (ریحی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۳۰۵)

پس زیارت در مرتبه برین و کامل خود، همانا وصل، اقبال قلبی، روحی، فکری، اخلاقی و عملی به زیارت‌شونده را به همراه دارد.

اگر زیارت از زاویه وصل و پیوند نگریسته شود، قرارگرفتن در مدار معصومان علیهم‌السلام صورت می‌گیرد و زائر تلاش می‌کند بر گرد این محور بچرخد.

بهترین سرمایه زندگی در این پیوند نهفته است و برای هر مرد و زنی این پیوند، مانند یافتن گنج خواهد بود. اگر زائر را به‌سوی آیی با معصومان علیهم‌السلام و ارتباط با ایشان تشویق کرده‌اند، این را باید به‌عنوان یضی الهی قدر دانست؛ زیرا حضرات معصومان علیهم‌السلام تجسم ارزش‌های الهی و جلوه‌گاه انوار معنوی‌اند و رستگاری در پیوند و شناخت ایشان است. امیرمؤمنان علیه‌السلام می‌فرمایند: «رستگارترین مردم کسانی‌اند که جایگاه ما را بشناسند و ما پیوند به ما، به خود خدا تقرب جویند.» (آمدی، ۱۳۶۶، ص ۱۱۵، حدیث ۱۹۹۵).

فراوانی روایاتی که درباره زیارت وجود دارد و در متون حدیثی شیعه و سنی بدان اشاره شده است، مشروعیت زیارت را اثبات می‌کند.

همه مسلمانان بر این نکته باور دارند که زیارت قبور بزرگان دین و مؤمنان، مسئله‌ای دینی و مشروع است. نکته اصلی آن است که بنابر اشاره آیه زیر، رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بر جنازه مؤمنان

نماز می خوانده و در کنار قبور ایشان می ایستاده و طلب مغفرت و دعا می کرده اند.

خداوند پیامبر ﷺ را از دعا و قرارگیری در کنار قبر منافقان و مشرکان پرهیز داده است: ﴿وَلَا تُصَلِّ عَلَى أَحَدٍ مِنْهُمْ مَاتَ أَبَدًا وَلَا تَقُمْ عَلَى قَبْرِهِ إِنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَمَاتُوا وَهُمْ فَاسِقُونَ﴾؛ «(توبه: ۸۴) و هرگز بر هیچ مُرده‌ای از آنان نماز مگذار و بر سر قبرش نایست؛ چراکه آنان به خدا و پیامبر او کافر شدند و در حال فسق مُردن».

از این آیه، به‌خوبی سیره رسول خدا ﷺ در زمینه زیارت قبر مؤمنان برمی آید؛ بنابراین، ادعای جریان وهابی که زیارت را کاری بدعت آمیز می‌شمارد، گزاف و بیهوده است. در این سنت، زینده است که از پیامبر ﷺ پیروی کنیم؛ چراکه ﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ﴾. (احزاب: ۲۱)

باوجود فراوانی روایات درباره فضیلت زیارت و همچنین فتوای عالمان و فقها در مستحب‌بودن آن، به‌ویژه زیارت پیامبر ﷺ، متأسفانه مسلمانان با تفکر انحرافی وهابیان مواجه هستند که سفر برای زیارت پیامبر ﷺ را ممنوع می‌دانند. تا پایان قرن هفتم، همه دانشمندان معتقد بودند که سفر برای زیارت، مباح و جایز است؛ ولی در اوایل قرن هشتم، ابن تیمیه با اجماع علما مخالفت کرد. او با پایین آوردن مقام انبیاء علیهم السلام، توسل و زیارت را از نمونه‌های شرک دانست و هرکسی را که با افکارش مخالفت می‌کرد، به کفر و شرک متهم می‌ساخت. سلفیان وهابی زیارت قبر پیامبر ﷺ را شرک می‌شمارند و ابن تیمیه به عنوان پیشوای فکری آنان، با وارد ساختن تهمت‌های ناروا به شیعه به دلیل زیارت قبر پیامبر ﷺ و اولیای خدا، آنها را به یهود و نصاری تشبیه می‌کند و حتی شیعه را به خاطر این عمل، مشرک می‌داند، گرچه معترف است که مسلمانان نیز به زیارت اعتقاد دارند و مدعی است «درست است که بسیاری از اهل سنت هم به زیارت قبور می‌روند، آنها هم کار حرام می‌کنند و گمراه هستند ولی گمراهی شیعه بیشتر است!» (ابن تیمیه، ج ۱، ص ۱۳۲).

حرکت و تلاش ابن تیمیه در مخالفت با زیارت و توسل به پیامبر ﷺ، در تفکر اموی او ریشه داشت. این تلاش، به فروکاستن از جایگاه معنوی و الهی پیامبر ﷺ و اهل بیت ایشان

تفسیر می‌شود. پیروان وهابی ابن تیمیه که مدینه را اشغال کردند، به ممنوعیت زیارت پیامبر ﷺ و جلوگیری از ایستادن در برابر ضریح ایشان حکم کردند. (صبری پاشا، ۱۳۹۱، ص ۱۰۸)

اعتراض‌های متعددی به ابن تیمیه و پیروان او شد. تعداد زیادی از علمای اهل سنت به پا خاستند. سرانجام، قضات چهار مذهب حنفی و مالکی و شافعی و حنبلی، ابن تیمیه را محکوم کردند؛ با این حال، افکار کث و بدعت‌آمیزش آغازی برای انحرافات گسترده شد و نتایج منحوسی از جمله پیدایش وهابیت در حجاز به جای گذاشت. همچنین سبب شد که در گستره تاریخ، صاحب‌نظران اسلامی بیش از صدها جلد کتاب و رساله بر ضد افکار او بنگارند.

ادعای سلفیان در شباهت زیارت مسلمانان با رفتار بت پرستان، بدینی محض به باورهای مسلمانان است؛ تاریخ گواه است که سیره و رفتار مسلمانان، آمد و شد آنان بر کنار مزار اولیا و صالحین، نوعی تکریم و تعظیم بهترین بندگان الهی و بزرگان دین تلقی می‌شود که در آنجا آرمیده‌اند.

زیارت تعریف خاص خود را داراست و آن، حضور در پیشگاه زیارت شده است؛ زائری که به زیارت پیامبر ﷺ می‌شتابد، به انگیزه یادآوری مرگ، دعا برای بلندی مقام، تبرک به آستان او و ادای برخی از حقوقی که پیامبر ﷺ بر مؤمنان دارد، به آن مزار نورانی می‌شتابد. سیره و منش صحابه و مسلمانان نخست نیز بر پابندی بر چنین زیارتی بوده است (سبکی، ۱۴۱۹، ۷۰).

همچنین زیارت در نگاه عالمان مذاهب چهارگانه سنی نیز کاری مشروع و مقبول است و آنان آن را امری مستحب می‌شمارند. پیروان این مذاهب نیز با الگو قرار دادن رهبران فقهی‌شان، به زیارت مشتاق‌اند؛ لذا غالب زائران حرم نبوی را برادران اهل سنت تشکیل می‌دهند. در ایران نیز شاهدیم که برادران سنی مذهب به زیارت علی بن موسی ﷺ راغب‌اند و به مشهد مشرف می‌شوند. اتکای فقها و محدثان سنی، به فراوانی روایات و به خصوص روایاتی است که ناظر به زیارت مرقد پیامبر ﷺ است؛ مانند این حدیث که ابن عمر از پیامبر اکرم ﷺ نقل می‌کند: «من حج البيت و لم يزرنی فقد جفانی» (سمهودی، ۲۰۰۱، ج ۲، ص ۳۹۸؛ متقی هندی،

۱۴۰۵، ج ۵، ص ۱۳۵؛ هرکس حج به جا آورد و به زیارت نیاید، همانا به من جفا کرده است. حاطب بن ابی بلتعہ این حدیث را از پیامبر ﷺ روایت می کند: «من زارنی بعد موتی فکانما زارنی فی حیاتی؛ (دار قطنی، ۱۴۲۲، ج ۲، ص ۲۷۸). کسی که بعد از مرگم مرا زیارت کند، همانند کسی است که در زمان حیاتم زیارت کرده است». به سبب اعتبار و فراوانی روایات درباره زیارت است که فقهای سنی به استحباب آن فتوا داده اند.

در این نوشتار تلاش می شود که حکمت و چرایی زیارت قبور معصومان (علیهم السلام) بررسی شود و در ذیل آن به آثار مهمی که زائر در پرتو زیارت به آن دست می یابد اشاره شود؛ آثار بی شماری که سلفیان وهابی با تلاش های فکری و عملی خود آن را از مسلمانان سلب می سازند.

۱. نشانی از محبت

محبت از قوای ناشناخته الهی است و در پرتو آن انسان دلش به سوی محبوب می رود و به سوی او پر می کشد. وقتی که در روایات بیان می شود «هر کسی با محبوبش محشور است» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۷، ص ۹۵)، این اتصال از دنیا آغاز شده و در آخرت نیز آشکار می شود، از این رو در زیارت امین الله درخواست می شود که دوستدار اولیاء برگزیده باشیم؛ «مُحِبَّةً لِّصَفْوَةِ أَوْلِيَائِكَ». (ابن قولویه قمی، ۱۳۵۶، ص ۳۹).

زیارت نشانی از شوق درونی انسان و علامتی از محبت اوست؛ زیرا در درون زیارت، بزرگداشت و انس گیری نهفته است و ا معنا بیانگر زبانِ علاقه و وابستگی قلبی زائر است برای پیامبر ﷺ، دوستی خاندانشان اجر رسالت است: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى». (شوری: ۲۳) بنابراین زائر با حضور در مزار اهل بیت (علیهم السلام)، به ندای حضرت محمد ﷺ پاسخ می گوید.

اکسیر محبت، زائر را به زیارت می کشاند، آنگونه که در زیارت امام حسین (علیه السلام)، زیارت و محبت و لاله برای قرب الهی بیان می شود: «إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ بِزِيَارَتِكُمْ وَبِمَحَبَّتِكُمْ». زیارت، به پشتوانه محبت دلپذیر می شود؛ همان گونه که محبت پیامبر ﷺ بلال را از شام

به مدینه کشاند؛ بلال حبشی، حضرت را در خواب دید که به او می‌گوید: «ای بلال! این چه جفایی است؟ آما هنوز وقت آن نرسیده که به زیارت بیایی؟»

بلال، هراسان و مگین از خواب بیدار شد. بر مرکب خویش سوار شده و را می مدینه گردید. و تی به مدینه رسید، نزد قبر رسول الله ﷺ آمد، اشک از دیدگانش روان شد و چهره خود را بر مزار رسول اکرم ﷺ گذاشت؛ در این هنگام، امام حسن و امام حسین علیهما السلام را دید، آن دو بزرگوار را هم به سینه چسبانید و بوسید. (ذهبی، ۱۴۲۴، ج ۱۷، ص ۶۷)

برای عاشق، حتی خانه‌ای که روزی معشوق در آن ساکن بوده، کوچه‌ای که روزی دلبر از آن گذشته، زینی که بر آن قدم نهاده، شهری که روزی در آنجا می‌زیسته، سنگی که دست محبوب به آن خورده، لباسی که بر اندام او بوده و کفشی که در پایش داشته، دلربا و جاذب است و دوست‌داشتنی و شوق‌انگیز؛ چگونه می‌شود که عاشق خدا، دوستدار پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم السلام، محب صالحان و صدیقان و شهدا و اولیاء الله، شوق دیدار خانه خدا و مزار، مرقد، خانه، شهر و دیار معشوق را نداشته باشد؟ (محدثی، ۱۳۸۶، ص ۲۵).

۲. شناخت بهتر

شناخت معصومین علیهم السلام ارتباط مستقیمی با زیارت بهتر و موثرتر آنان دارد؛ از این رو در بسیاری در زیارت نامه‌های معتبر، تصویر زیبایی از جایگاه الهی ایشان ارائه می‌دهد و ما را به شناخت آنان نزدیک می‌کند.

در زیارت مختصر پیامبر اکرم ﷺ که از امام رضا علیهم السلام روایت شده است به چهار ویژگی رسول الله ﷺ همچون: «خَيْرَ اللَّهِ؛ برگزیده خدا»، «حَبِيبَ اللَّهِ؛ دوست خدا»، «صَفْوَةَ اللَّهِ؛ گلچین شده خدا» و «أَمِينَ اللَّهِ؛ مورد اعتماد خدا» اشاره شده و بعد به این امور گواهی می‌دهد:

- أَنْكَ قَدْ نَصَحْتَ لِأُمَّتِكَ؛ امت خود را خیرخواهی نمودی.

- وَ جَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ رَبِّكَ؛ در راه پرودگارت کوشش و مجاهده کردی.

- وَ عَبَدْتَهُ حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ؛ خدایت را تا هنگام درگذشت بندگی نمودی. (مجلسی، ۱۴۰۳،

زیارت جامعه کبیره، تصویر دقیقی از جایگاه الهی و هدا بخش امام را ارائه می دهد و از این رو منشور امام ناسی نامیده می شود. همچنین زیارت نامه ای از امام صادق (علیه السلام) روایت شده است که زوایای دقیقی از شخصیت و جایگاه ائمه اطهار (علیهم السلام) را ارائه می دهد. زائر در بخشی از این زیارت چنین گواهی می دهد:

أَنْتُمْ أَبْوَابُ اللَّهِ وَمَفَاتِيحُ رَحْمَتِهِ وَمَقَالِيدُ مَغْفِرَتِهِ وَسَحَائِبُ رِضْوَانِهِ وَمَصَابِيحُ جَنَانِهِ وَحَمَلَةُ فُرْقَانِهِ وَخَزَنَةُ عِلْمِهِ وَحَفْظَةُ سِرِّهِ وَمَهْبِطُ وَحْيِهِ؛

شما دروازه های راهیابی به سمت پروردگارید، کلیدهای رحمت، گنجینه های آمرزش، ابرهای رضوان، چراغ های بهشت، حاملان قرآن، خزائن علم، حافظان راز، جایگاه نزول وحی الهی هستید،

دَعَوْتُمْ إِلَى سَبِيلِهِ وَأَنْفَذْتُمْ طَاقَتَكُمْ فِي مَرْضَاتِهِ؛

مردم را به راه خداوند رهنمون کردید، توان خود را در جهت کسب رضایت الهی قرار دادید.

وَحَمَلْتُمْ الْخَلَائِقَ عَلَى مِنْهَاجِ النُّبُوَّةِ وَمَسَالِكِ الرِّسَالَةِ؛

مردم را بر مسیر نبوت و راه های رسالت منتقل کردید. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۹، ص ۱۶۴)

۳. قرب به خدا

نزدیکی به خدا و به رنگ خدا شدن، عالی ترین کمال انسان است. این قرب از راه بندگی، دستیابی به فضایل اخلاقی، دوری از رذایل، ارتباط با اولیای الهی و ولایت آنان دست یافتنی است؛ در این زمینه به سه نکته اشاره می شود:

الف) محبت و ارتباط با انسان های بزرگ و کامل همچون معصومین (علیهم السلام) زمینه ای برای ولایت الهی است و خداو به پیامبر خود می فرماید اگر می خواهید ولایت الهی را پیدا کنید،

این راه را بپیماید: ﴿قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ﴾؛ «بگو اگر خدا را دوست می‌دارید (که باید هم بدارید) باید مرا پیروی کنید تا خدا هم شما را دوست بدارد». (آل عمران، آیه ۳۱)

امیر مؤمنان علیه السلام نیز نیک‌بخت‌ترین مردم را کسی می‌دانند که بلند مرتبه بودن جایگاه اهل بیت علیهم السلام را بشناسد و به کمک آنان، به خدا نزدیکی بجوید. (آمدی، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۴۶۱)

ب) این عبارت که «به واسطه شما و ولایت شما به خدا نزدیکی می‌جویم» در بسیاری از زیارت‌نامه‌ها وجود دارد که نشانگر تاثیر محبت ولی خدا در ارتباط گیری با خدا است؛ مثلاً در زیارت عاشورا می‌خوانیم: يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ! إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى وَإِلَى رَسُولِهِ وَإِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَإِلَى فَاطِمَةَ وَإِلَى الْحَسَنِ وَإِلَيْكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَسَلَّمَ وَعَلَيْهِمْ بِمُؤَالَاتِكَ. (ابن قولویه قمی، ۱۳۵۶، ص ۱۷۷)

ابن ولویه نیز به زیارتی دیگر چنین اشاره می‌کند:

آقایم! برای زیارت نزد شما آمده‌ام درحالی که به گناه اقرار دارم و با آمدن به سمت شما می‌خواهم به خدایم نزدیک شوم. (ابن قولویه قمی، ۱۳۵۶، ص ۲۴۱)

در زیارت امام رضا علیه السلام هم می‌خوانیم:

خدایا! به تو تقرب می‌جویم به واسطه علی بن موسی، آن ریب حبیبی که در طوس مدفون است (طوسی، ۱۴۱۱، ص ۳۲۷).

ج) وقتی انسان به زیارت معصومی مشرف می‌شود، انس و تقرب به او پیدا می‌کند. این انس نیز راهی برای نزدیکی به خداوند است؛ ابوسعید ابوالخیر از شیخ الرئيس ابوعلی سینا، درباره تشرّف به زیارت پرسشی کرد. ابوعلی سینا در پاسخ گفت: «در این هنگام، اذهان صفای بیشتری پیدا کرده، خاطره‌ها با تمرکز شدیدتری جلوه می‌کند و باعث نزدیکی به خداوند می‌شود.» (ابن سینا، ۱۳۶۰، ص ۳۳۵).

۴. ابراز باور صحیح و نفی باورهای انحرافی

می‌توان به زیارت به عنوان یک ظرفیت فرهنگی برای گسترش باورهای صحیح و نفی باورهای اشتباه نگریست

کاربردهای مؤثر زیارت به گونه ای است که می توان از ظرفیت های فرهنگی آن یز یاد کرد؛ ن گونه که زیارت می تواند زمینه ابراز عقیده صحیح و نفی باورهای منفی و انحرافی شود و محل زیارت نیز کانونی برای ابراز باورهای یح و اعلان پابندی به آن و همچنین محلی برای اعلان نفرت و بیزاری از باورهای ناصحیح و انحرافی باشد.

روایت ذل نمونه ای از اعلان موضع امام رضا (علیه السلام) درباره رویکردی انحرافی است که در عصر ایشان نسبت به خدا ترو می شد؛ جریانی که به جسمیت خدا باور داشت و خالق هستی را به خلایق تشبیه می کرد؛ امام در کنار مزار یکی از خاندان خود، موضع منفی خود را نسبت به این کژروی بیان داشتند.

زمانی که امام رضا (علیه السلام) به زیارت مزار یکی از اهل بیت خود رفت، دست خویش را بر قبر نهاد و سپس رو به حاضران کرد و باور امامه عصر خویش در تشبیه خداوند را به نقد کشید و چنین فرمود:

پرورد گارا! قدرت تو آشکار است بدون آنکه در آن سستی باشد.
پرورد گارا! تو را نشناختند و (با معیارهای حسی و مادی) یاوه ارزی بی کردند و وصف نمودند و من از کسانی که تو را تشبیه طلب کردند بزارم.
پرورد گارا! هیچ چیز چون تو نیست و هرگز تو را در نمی یابند.. و در آفریده های تو راه شناخت تو فراهم است ولی آنان تو را با آفریده های قیاس کردند و برابر دانستند و به همین سبب تو را نشناختند و برخی از نشانه های تو را برای خود خدا گرفتند و چنانت و کردند. ولی ا پرورد گار من! تو برتر از آی که تشبیه کنندگان تو را توصیف کردند (صدوق، ۱۳۷۸ ج ۱، ص ۱۱۶).

۵. میثاق دوباره

می توان زیارت را عی بیعت با امام شمرد و با این نگاه، هر زیارتی نوعی اعلام یاری و تجدید عهد با امام باشد.

وقتی یک انسان مؤمن به زیارت امام معصوم می رود، عهد و پیمان وفاداری خود را نو

می سازد و تلاش می کند دوباره روح و رفتار خویش را با خلیفه راستین الهی در زمین همسو سازد که بدان «جدید عهد» می گویند.

پیشوایان معصوم علیهم السلام به مسافران مکه چنین توصیه می کنند: «کسانی که برای حج می آیند، در بازگشت نزد ما بیایند، از ویت خود ما را خبر کنند و یاری خویش را بر ما عرضه سازند.» (صدوق، بی تا، ج ۲، ص ۴۵۹). از این رو می توان زیارت را بیعتی دوباره برای ولایت پذیری دانست.

زیارت می تواند یکی از جلوه های وفای به عهد باشد و هر زائری با حضور در حرم امام، در صف اهل ایمان قرار می گیرد و بر ولایت ائمه اطهار علیهم السلام به عنوان حجت های الهی تجدید عهد می بندد. از امام ابوالحسن الرضا علیه السلام نقل شده که فرمود:

«إِنَّ لِكُلِّ إِمَامٍ عَهْدًا فِي عُنُقِ أَوْلِيَائِهِ وَشِيعَتِهِ وَأَنَّ مِنْ تَمَامِ الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ وَحُسْنِ الْأَدَاءِ زِيَارَةَ قُبُورِهِمْ؛ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۵۶۱).

برای هر امامی، در گردن و بر عهده هواداران و پیروانش، عهد و پیمانی است و از جمله نشانه های و کامل به این پیمان، زیارت قبور آنها است.»

امام هادی علیه السلام در ذیل زیارت امام حسین علیه السلام توصیه می فرماید که در زیارت، نام تک تک ائمه اطهار علیهم السلام را بر زبان جاری کن و بر حجت الهی بودن آنان شهادت ده و آنگاه این گونه بگو:

اَكْتُبْ لِي عِنْدَكَ مِيثَاقًا وَعَهْدًا أَنِّي أَتَيْتُكَ أَجْدَدُ الْمِيثَاقِ فَأَشْهَدُ لِي عِنْدَ رَبِّكَ إِنَّكَ أَنْتَ الشَّاهِدُ؛ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۵۷۸).

برای من بنویس که نزد شما میثاق و عهدی داشته ام و من به محضرت آمده ام تا آن میثاق را تجدید کنم؛ نزد پروردگارت بر این پیمانم شهادت ده و همانا که تو شاهد می باشی

علامه مجلسی به زیارتی به نام «مصافقه» اشاره می کند؛ مصافقه به معنای دست روی دست گذاشتن برای بیعت است و همانا زیارت پیشوایان معصوم علیهم السلام تجدید عهد و میثاقی

با ایشان است و زائر بر ولایت پذیری و فرمانبرداری از ایشان و اعلان برائت از دشمنانشان بیعت می کند:

جِئْتُكَ يَا مَوْلَايَ زَائِرًا لَكَ وَمُسَلِّمًا عَلَيْكَ وَلَا يُذَا بِكَ وَقَاصِدًا إِلَيْكَ أُجَدِّدُ مَا أَخَذَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَكُمْ فِي رَقَبَتِي مِنَ الْعَهْدِ وَالْبَيْعَةِ وَالْمِيثَاقِ بِالْوَلَايَةِ لَكُمْ وَالْبَرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِكُمْ مُعْتَرِفًا بِالْمُفْرَضِ مِنْ طَاعَتِكُمْ.

زائر سپس دست راست خود را بر روی مزار و ضریح امام می نهد و اعلان می کند: این
دستان من ا به نشانه بیعتی که بر من واجب است به سوی شما دراز می کنم؛ ای امام
! آن را بپذیر:

هَذِهِ يَدِي مُصَافِقَةٌ لَكَ عَلَى الْبَيْعَةِ الْوَاجِبَةِ عَلَيْنَا فَأَقْبَلْ ذَلِكَ مِنِّي يَا إِمَامِي فَقَدْ زُرْتُكَ وَ أَنَا مُعْتَرِفٌ بِحَقِّكَ مَعَ مَا أَلَزَمَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ مِنْ نُصْرَتِكَ وَ هَذِهِ يَدِي عَلَى مَا أَمَرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ مِنْ مَوَالَاتِكُمْ وَ الْإِقْرَارِ بِالْمُفْرَضِ مِنْ طَاعَتِكُمْ وَ الْبَرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِكُمْ وَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ.

آنگاه ضریح را می بوسد و می گوید:

يَا سَيِّدِي وَ مَوْلَايَ وَ إِمَامِي وَ الْمُفْتَرَضَ عَلَيَّ طَاعَتُهُ أَشْهَدُ أَنَّكَ بَقِيتَ عَلَى الْوَفَاءِ بِالْوَعْدِ وَ الدَّوَامِ عَلَى الْعَهْدِ وَ قَدْ سَلَفَ مِنْ جَمِيلٍ وَ عِدِكَ لِمَنْ زَارَ قَبْرَكَ مَا أَنْتَ الْمَرْجُوُّ لِلْوَفَاءِ بِهِ وَ الْمُؤَمَّلُ لِتِمَامِهِ وَ قَدْ قَصَدْتُكَ مِنْ بَلَدِي وَ جَعَلْتُكَ عِنْدَ اللَّهِ مُعْتَمَدِي فَحَقَّقْ ظَنِّي وَ مُخِيلَتِي فِيكَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَ سَلَّمَ تَسْلِيمًا كَثِيرًا اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِزِيَارَتِي إِيَّاهُ وَ أَرْجُو مِنْكَ النِّجَاةَ مِنَ النَّارِ وَ بِآبَائِهِ وَ أَبْنَائِهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ رَضِينَا بِهِمْ أَئِمَّةً وَ سَادَةً وَ قَادَةً.

سپس این چند دعا را بر زبان جاری می سازد:

اللَّهُمَّ أَذْخِلْنِي فِي كُلِّ خَيْرٍ أَذْخَلْتَهُمْ فِيهِ وَ أَخْرِجْنِي مِنْ كُلِّ سُوءٍ أَخْرَجْتَهُمْ مِنْهُ وَ اجْعَلْنِي مَعَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

در پایان دو رکعت نماز می‌خواند و باز می‌گردد. چنین زیارتی به مثابه عهد دوباره با امام است (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۹، ص ۱۹۷ و ۱۹۸).

۶. پاکی از گناه

زمانی که انسان گناهکار پا به آستان معصومین علیهم‌السلام می‌نهد، حس شرمندگی از گناه و سرافکندگی در پیشگاه این حجت‌های الهی، فرصتی برای توبه را فراهم می‌سازد؛ او در آن لحظه احساس نیاز به سبکی از بار سنگین گناه را با تمام وجود درک می‌کند و حرم امام را قانونی برای درخواست بخشایش، جبران لغزش‌ها و تصمیم برای شکل دهی به یک زندگی عاری از هر معصیت می‌بیند؛ به واقع زائر با استغفار زندگی اش را عطرآگین می‌سازد؛ آنگونه که امیر مؤمنان علیه‌السلام می‌فرماید: **تَعَطَّرُوا بِالْإِسْتِغْفَارِ**؛ خودتان را با استغفار معطر سازید (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۶، ص ۷۰).

در زیارت امامان مدفون در قبرستان بقیع می‌خوانیم: **وَهَذَا مَقَامٌ مِنْ أَسْرَفٍ وَأَخْطَا وَاسْتَكَانَ وَأَقْرَبَ بِنَا جَنَى وَرَجَا بِمَقَامِهِ الْخَلَاصَ...** (۱) قولویه قمی، ۱۳۵۶، ص ۵۴) اینجا محل ایستادن و جایگاه کسی است که اسراف و خطا کرده است. اینجا کسی در حضورتان ایستاده که شکسته و خاکسار، به جرم خویش اقرار می‌کند و به سبب حضورش در این مقام، امید رهایی دارد. در زیارت حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نیز می‌خوانیم: **وَإِنِّي أَتَيْتُكَ مُسْتَغْفِرًا تَائِبًا مِنْ ذُنُوبِي، وَإِنِّي أَتُوجَّهُ بِكَ إِلَى اللَّهِ رَبِّي وَرَبِّكَ لِيُغْفِرَ لِي ذُنُوبِي**. (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۵).

قرآن آموزش خواهی هر فرد در جوار پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را مشروع می‌شمارد، بدیهی است دعای پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم تضمین‌کننده بخشایش گناه خواهد بود: **﴿وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاؤُكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا﴾**؛ «و اگر نام‌برندگان [گناهکاران] هنگامی که به خود ستم می‌کردند، از در توبه نزد تو آمده و از خدا طلب آمرزش کرده بودند و رسول برایشان طلب مغفرت کرده بود، می‌دیدند که خدا توبه‌پذیر و مهربان است». (نساء: ۶۴).

امیر مؤمنان علیه‌السلام علی علیه‌السلام می‌فرماید: سه روز پس از دفن رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فردی اعرابی بر ما وارد شد. او خود را بر قبر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم افکند و خاکش را بر سرش ریخت و گفت:

«ای رسول خدا ﷺ گفتید و گفتارتان را شنیدیم. از خدا حقایق را گرفتید و ما هم از شما گرفتیم. از که بر شما نازل شده، این آیه است: ﴿وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاؤُكَ...﴾. ستم کرده و نزدتان آمده‌ام تا برایم طلب آمرزش کنید.» از قبر ندایی بلند شد: «گناهت آمرزیده شده است.»

بدین‌گونه، زیارت عامل مغفرت‌طلبی و توبه و پاکی شخص زائر است. اباصلت هروی می‌گوید: نزد امام رضا (ع) بودم که گروهی از مردم قم حضور حضرت رسیدند. سلام کردند. امام نیز پاسخ ایشان را دادند و آنان را نزدیک خود نشاندند. حضرت پس از خوشامدگویی فرمودند:

أَنْتُمْ شِيعَتُنَا حَقًّا يَأْتِي عَلَيْكُمْ زَمَانٌ تَزُورُونَ فِيهِ تُرَبِّي بِطُوسٍ أَلَا فَمَنْ زَارَنِي وَهُوَ عَلَى غُسْلٍ خَرَجَ مِنْ ذُنُوبِهِ كَيَوْمٍ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ؛ (حرّ عاملی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۵۶۹).

شما شیعیان راستین ما هستید. زمانی برای شما خواهد آمد که مزارم را در توس زیارت خواهید کرد. همانا کسی که مرا زیارت کند درحالی که غسل کرده باشد، همانند روزی که از مادر به دنیا آمده است، از گناه پاک خواهد شد.

۷. کانون دعا

زمانی که زائر به زیارت پیامبر ﷺ و ائمه معصومین (ع) مشرف می‌شود، مهمان سفره معنوی آنان است. زائر با زیارت، شایستگی آن را می‌یابد که به او عنایت شود و نسیم لطف معصوم به او بوزد. او در آن هنگام می‌تواند در رسیدن به مقصود، بخشایش گناه، برآورده شدن حاجت‌ها و رفع گرفتاری‌اش امید داشته باشد؛ از این رو حرم معصومین (ع) کانونی مهم برای دعا کردن است و بخش مهمی از زیارتنامه‌های نقل شده از معصومین (ع) نیز، دربردارنده دعا‌های متعدد است.

علمای بزرگ شیعه، کثرت دعا و طلب حاجت را در حرم امام مستحب می‌دانند (حرّ عاملی، ۱۴۰۷، ج ۱۴، ص ۵۶۹) و به این روایت استناد می‌کنند: امام‌هادی (ع) درباره‌ی اجابت دعا و خواست زائران حرم علی بن موسی الرضا (ع) می‌فرمایند:

مَنْ كَانَتْ لَهُ إِلَى اللَّهِ حَاجَةٌ فَلْيُزِرْ قَبْرَ جَدِّي الرَّضَا بِطُوسٍ وَهُوَ عَلَى غُسْلٍ وَ لِيُصَلِّ عِنْدَ رَأْسِهِ رَكَعَتَيْنِ وَلْيَسْأَلِ اللَّهَ حَاجَتَهُ فِي قُنُوتِهِ، فَإِنَّهُ يُسْتَجِيبُ مَا لَمْ يَسْأَلْ مَاثِمًا أَوْ قِطْعَةً رَحِمٍ...؛ (حرّ عاملی، ۱۴۰۷، ج ۱۰، ص ۴۴۷).

هر کس به درگاه خدا حاجتی دارد، قبر جدّم حضرت رضا را در توس زیارت کند، در الی که غسل کرده باشد. بالای سر آن حضرت دو رکعت نماز بخواند و در قنوت نمازش، حاجتش را از خدا بخواهد. خداوند اجابت می کند؛ [البته] تا وقتی که خواسته اش گناه یا قطع رحم [یعنی نفرین به خویشاوندان] نباشد. علامه مجلسی تأکید دارد که زائر به وقت زیارت در دعا کردن جدیت و اصرار نماید و از خداوند درخواست کند که به حق جایگاه بی همتای خود و حق صاحب قبر، او را مشمول شفاعت قرار دهد (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۷، ص ۱۳۴). ملا مهدی نراقی (متوفی ۱۲۰۹ق) در ترسیم چگونگی اجابت دعا به هنگام زیارت می گوید:

نفوس نیرومند قدسی، به خصوص انبیا و ائمه علیهم السلام، پس از آزادی از قفس تن و صعود به عالم تجرّد، در نهایت احاطه و استیلا بر امور جهان اند. امور جهان نزد آنان آشکار است و قدرت و تأثیر گذاری در موادّ عالم دارند. هر کس که به زیارتشان برود، از آن آگاه و بر او شاهدند و اطلاع کامل از زائران مرقدشان و از درخواست ها و توسل ها و تضرع ها و شفاعت طلبی هایشان دارند. پس نسیم لطف این اولیا، بر زائران می وزد و رشحاتی از فروغ آنان بر زائران می تابد و در رفع نیاز و برآورده شدن حاجت ها و رسیدن به مقصودشان و بخشایش گناهانشان و رفع گرفتاری هایشان، در پیشگاه خداوند شفاعت می کنند. این است رمز ای همه تأکید در زیارت پیامبر و ائمه علیهم السلام (نراقی، بی تا، ج ۳، ص ۳۹۸).

۸. برآورده شدن حاجات

هر فیض و رحمتی که به آدمی می رسد، تنها از سرچشمه بیکران و بی همتای الهی جاری

است و پیشوایان معصوم، وسیله و واسطه این فیض رسانی الهی هستند؛ از این رو درباره جواز حاجت خواهی از معصومین علیهم السلام و مشروعیت «توسل» چند نکته قابل ذکر است :

الف) توسل نوعی تمسک به «وسیله» بوده که قرآن به آن دعوت کرده است:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ﴾ (مائده: ۳۵)

ای افراد باایمان، تقوای الهی پیشه کنید و برای رسیدن به او وسیله‌ای فراهم آورید [توسل جوید].

ب) وسیله و واسطه قراردادن چیزی بین خود و مطلوب بر دو قسم است: گاه وسیله مادی است؛ مثل آب و غذا که و لیه رفع تشنگی و گرسنگی است؛ و گاه وسیله معنوی است؛ مثل گناهکاری که خدا را به مقام و جاه یا حقیقت پیامبر صلی الله علیه و آله قسم می‌دهد تا از گناهش بگذرد و یا حاجتمندی خدا را به جایگاه و امام معصوم علیه السلام سوگند می‌دهد تا حاجتش برآورده شود؛ از این رو خدای متعال گناهکاران را ارشاد فرموده است که در خانه رسول اکرم صلی الله علیه و آله بروند و علاوه بر اینکه خود طلب مغفرت کنند، از آن بزرگوار بخواهند که برای ایشان طلب مغفرت کند. قرآن کریم می‌فرماید:

﴿وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا

اللَّهُ تَوَّابًا رَحِيمًا﴾ (نساء: ۶۴)

اگر ایشان هنگامی که [با ارتکاب گناه] به خود ستم کردند، نزد تو می‌آمدند و از خدا آمرزش می‌خواستند و پیامبر هم برای ایشان طلب مغفرت می‌کرد، خدا را توبه‌پذیر مهربان می‌یافتند.

ج) هرآنسان موحدی در توسل، اولیای الهی را به عنوان وسیله می‌نگرد، برای آن بزرگان دین استقلال در تأثیر قائل نیست، بلکه معتقد است عطا و لطف و بسط امور، در کف باکفایت خداوندی است و این بزرگان واسطه رحمت او بر خلایق‌اند. این گونه توسل و حاجت‌خواستن از معصومین علیهم السلام، عین توحید است. به عبارتی هرگاه درخواست کمک از انسان برگزیده، منوط به اذن الهی و مشیت او شود، چنین درخواستی هرچند به ظاهر از

غیر خداست، در واقع، درخواست کمک از خداست؛ خداست که به ا فرد قدرت و توانایی داده است تا دیگران را یاری کند. از این رو، ا نوع یاری از اولیای الهی و معصومان (علیهم السلام)، رفتاری موحدانه است و ارتباطی به شرک فرد ندارد. امام خمینی معتقدند:

اگر حاجت از پیامبر و امام و هر کس غیر خدا، به عنوان خدایی بخواهیم و او را مستقل در برآورده شدن حاجت بدانیم، شرک است؛ چنان که عقل و قرآن بر آن گواه است. اگر به این عنوان نباشد، شرک نیست؛ چنان که نظام تمام دنیا بر قضای حاجت از یکدیگر است و پایه تمدن جهان، بر روی تعاون از یکدیگر برپاست. اگر مطلق حاجت خواستن از کسی شرک بود، باید یکسره جهانیان مشرک و بنیاد جهان بر شرک ریخته باشد. پیامبران نیز محتاج به زندگانی بودند و در توبه خود، از جهانیان حاجت‌ها می‌خواستند و با تعاون، قافله حیات و زندگانی را راه می‌انداختند. (امام خمینی، بی‌تا، ص ۳۴).

۹. برائت از دشمن

در کنار حب به اهل بیت (علیهم السلام)، باید نسبت به دشمنان ایشان بغض داشته باشیم
بُغْض در مقابل حب است و در اصطلاح به معنای نفرت از چیزی آزاردهنده است که اگر فزونی یابد، بیزاری (مَقْت) خوانده می‌شود و «تبری» از مصادیق آن است یعنی دوری جستن از افراد یا چیزهایی که همنشینی با آن ناخوشایند، ناپسند و گلوگیر است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۱۳۶، ۲۱۲، ۷۷۲)

در طول تاریخ انبیا و پس از آن، همواره دو صف حق و باطل وجود داشته و هر کدام نیز پیشوا و پیروانی داشته‌اند. قرآن درباره رهبران جبهه حق می‌فرماید: ﴿وَجَعَلْنَاهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا﴾؛ «و آنان را پیشوایان نمودیم تا به فرمان ما رهبری کنند» (انبیاء: ۷۳). و در باره پیشوایان جبهه باطل می‌فرماید: ﴿وَجَعَلْنَاهُمْ أَئِمَّةً يَدْعُونَ إِلَى التَّارِ﴾، «ما آنان را پیشوایانی کردیم که مردم را به سوی آتش دعوت می‌کردند» (قصص: ۴۱).

هدف از بغض و تبری، مشخص ساختن مرزهای حق و باطل، نشان دادن دوست و دشمن و اعلان موضع خویش است؛ هر فردی باید موضع صریح خود را نسبت به جبهه حق و باطل با شفافیت تمام بیان دارد تا سره از ناسره روشن گردد و حقائق کتمان نشود.

شیعه اعتقاد دارد هرکس به امامت ائمه اطهار علیهم السلام باور داشته باشد؛ همانا به نبوت پیامبر صلی الله علیه و آله و سایر انبیا پایبند بوده است و انکار این جایگاه به معنای انکار نبوت همه پیامبران الهی است. و حب و بغض یک دین دار و اعلان موضع او نیز در همین راستا تعریف می شود (کلینی ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۲۵). از این رو باید ضمن دوستی ائمه اطهار علیهم السلام و پیروی از آنان، نسبت به ظلم پیشگان از آنان نیز بیزاری جست (کلینی ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۲۹۳)؛ رسول اکرم صلی الله علیه و آله به امیرمؤمنان علیه السلام فرمود:

حَرْبُكَ حَرْبِي، وَ سِلْمُكَ سِلْمِي؛ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳۶، ص ۳۴۸) جنگ با تو جنگ با من است، و صلح با تو صلح با من.

اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ، وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ؛ (کلینی ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۲۹۳). خداوند! ولایت کسی را متعهّد شو که ولایت او را متعهّد می شود، و دشمن بدار کسی را که او را دشمن می دارد. لَا يُحِبُّكَ إِلَّا مُؤْمِنٌ، وَلَا يَبْغُضُكَ إِلَّا مُنَافِقٌ؛ (مفید، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۴۰) «تو را دوست ندارد مگر مؤمن و تو را دشمن ندارد مگر منافق!»

در فرازهای بسیاری از زیارتنامه ها، تبری در کنار تولی، به عنوان عنصر محوری اعتقاد مذهب تشیع وجود دارد، از این رو تبری فرهنگ اعتراض به ظلم تحمیل شده به عترت علیهم السلام و اظهار بیزاری از دشمنان اهل بیت علیهم السلام است. البته مرز تبری و وهین را باید رعایت کرد و از ناسزاگویی به مقدسات دیگران دوری جست.

۱۰. لعن منحرفان

در زیارتنامه ها در کنار سلام به پیشوایان معصوم، به دشمنان آنان لعن می کنیم. لعن به معنای دوری از رحمت الهی است (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۶، ص ۳۰۹). لعن نوعی تبری بوده که کاربرد متعدّدش در قرآن کریم (ر.ک: احزاب: ۶۴؛ مائده: ۷۸؛ هود: ۱۸؛ نور: ۷ و ۲۳؛ نساء:

۹۳؛ توبه : ۶۸؛ محمد: ۲۲-۲۳) نشان مشروعیت آن است :

﴿إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُهِينًا﴾

(احزاب، آیه ۵۷)

خدا آن کسانی را که او و پیامبرش را اذیت می کنند، در دنیا و آخرت لعنت

کرده، و عذابی خوار کننده برای ایشان مهیا نموده است .

لعن به معنای دور کردن از رحمت الهی است؛ زیرا رحمت تنها از آن مؤمنان است که شایسته هدایت به سوی عقاید و امان حقیقی و در پی آن عمل صالح هستند. در نتیجه در پرتو لعن، دوری از رحمت در دنیا و آخرت درخواست می شود که به معنای محرومیت ظلم پیشه گان از این هدایت است، و این محروم ساختن جنبه کیفر خواهد داشت.

وجود لعن در اکثر زیارتنامه ها (ابن قولویه قمی، ۱۳۵۶، ص ۴۳)، به نوعی درخواست از خداوند برای دور ساختن دشمنان اهل بیت (علیهم السلام) از رحمت الهی است. البته باید مرز لعن با سب و دشنامگویی را شناخت؛ زیرا قرآن از سب و دشنام بهی می کند (انعام : ۱۰۸) و در فرهنگ روای ما نیز دشنام دادن مذموم شمرده شده است؛ آنگونه که امیرمؤمنان (علیه السلام) فرمود: «من خوش ندارم شما دشنام گو باشید» (نهج البلاغه، خطبه ۲۰۶). معمولاً لعن به عنوان یک امر قلبی در نجوای با خدای تعالی در باره کافران و ظالمان درخواست می شود، ولی سب جنبه گفتاری در تعامل با دیگران دارد و در بیشتر موارد آن ناسزاگویی با آثار اجتماعی نامطلوب و گاه واکنش های تند همراه است.

نوع عملکرد دشمنان نبوت و امامت و مخالفت های پیدا و پنهان آنان با برگزیدگان الهی، در پیر هدايت بشر خلل و آسیب ایجاد کرد. بدیهی است که آنان سزاوار لعن هستند. با درنگ در روایات و بخصوص زیارتنامه های مأثور و نقل شده از ائمه اطهار (علیهم السلام)، پاسخ چرا لعن بدست می آید. در روایات ذیل از هفده دلیل لعن دشمنان عترت یاد می گردد:

در زیارت نامه امام حسین (علیه السلام) که یادگار امام صادق (علیه السلام) است، به پنج دلیل لعن اشاره

می شود:

اللَّهُمَّ الْعَنِ الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَكَ وَخَالَفُوا مِلَّتَكَ وَرَغَبُوا عَنْ أَمْرِكَ وَاتَّهَمُوا رَسُولَكَ وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِكَ؛ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۵۷۲).

خدایا لعنت کن کسانی را که «نعمت تو را تغییر دادند»، و «با ملت پیرو تو مخالفت کردند»، و «از دستور تو روی بتافتند»، و «رسول تو را مورد اتهام قرار دادند» و «راه به سوی تو را بستند».

در زیارت نامه دیگری که برای امام حسین علیه السلام از امام صادق علیه السلام نقل می شود، از شش دلیل لعن یاد می گردد:

اللَّهُمَّ الْعَنِ الَّذِينَ كَذَّبُوا رُسُلَكَ وَهَدَمُوا كَعْبَتَكَ وَحَرَّفُوا كِتَابَكَ وَسَفَكُوا دِمَاءَ أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ وَافْسَدُوا فِي بِلَادِكَ وَاسْتَدَلُّوا عِبَادَكَ (ابن قولویه قمی، ۱۳۵۶، ص ۱۹۷)

بار خدایا! از رحمت خود دور بدار کسی که «رسولانت را تکذیب کردند»، «کعبه تو را ویران ساختند»، «کتابت را تحریف کردند»، «خون های اهل بیت پیامبرت ریختند»، «در ای تو فساد کردند» و «بندگان را خوار ساختند».

امام صادق علیه السلام در صلوات عصر جمعه، به سه دلیل لعن اشاره می نمایند:

اللهم العن الذين بدلوا دينك وكتابك وغيروا سنة نبيك عليه سلامك وازالوا الحق عن موضعه؛ (ابن طاووس، بی تا، ص ۴۸۰). پرودگارا لعنت کن کسانی را که «دین و کتاب تو را تبدیل کردند» و «سنت نبی تو را تغییر دادند» و «حق (خلافت) را از جایگاهش (عترت) دور کردند».

در زیارت امام رضا علیه السلام نیز در کنار دو دلیل مشترک با روایات فوق، به سه دلیل دیگر لعن، همچون «انکار آیات خدا» و «استهزاء امام» و «مسلط کردن دیگران بر خاندان پیامبر» اشاره می گردد:

اللَّهُمَّ الْعَنِ الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَكَ وَاتَّهَمُوا نَبِيَّكَ وَجَحَدُوا بِآيَاتِكَ وَسَخَرُوا بِإِمَامِكَ وَحَمَلُوا النَّاسَ عَلَى أَكْتَاFِ آلِ مُحَمَّدٍ (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۶۰۵).

۱۱. مرور روشنگرانه تاریخ

می توان از منظر آشنایی با تحولات و تاریخ اسلام به زیارت معصومین علیهم السلام نگریست؛ زیرا

در برخی از زیارتنامه‌های وارده از سوی ائمه اطهار علیهم‌السلام، نمونه‌هایی از بیان حوادث مهم تاریخ اسلام و اعلان موضع نسبت به آن وجود دارد که نشانگر این ظرفیت مهم در ارتباط گیری با حوادث تاریخ و تحولات صدر اسلام است؛ به عنوان مثال در زیارتی که از ائمه اطهار علیهم‌السلام روا شده، (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۹ ص ۱۶۳) به نمونه‌های زیر اشاره می‌گردد:

(الف) با درگذشت حضرت مصطفی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، فرصت طلبی صورت گرفت و حضرت هتک حرمت گردید.

(ب) به هنگام وفات پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، بی‌درنگ از کنار بستر ایشان بیرون رفته، بر نقض بیعت عت بخشیدند.

(ج) جمعی رذل و پست و بقایای احزاب عصر جاهلی به خانه رسالت و نبوت و جایگاه سلطان ولایت و خلافت یورش بردند.

(د) پیمان با پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را در ارتباط با برادرش علی علیه‌السلام نقض کردند.

(ه) با ستم و آزار دخت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، دل او را مجروح ساختند.

(و) به همسر فاطمه علیه‌السلام بی‌وفائی کرده و یگانه او را کاستند، با نقض پیروی از او، ولایتش را انکار نمودند و او را با خشونت به بیعت سوق دادند.

(ز) نسبت به سلمان فارسی ناسپاسی کردند، مقداد رانده شد، ابوذر غفاری تبعید گردید و با آسیب زدن به بدن عمار، به او اهانت شد.

(ح) احکام الهی تغییر یافت، حلال و حرام در هم آمیخت و ایمان و اسلام سبک شمرده شد.

(ط) کعبه ویران گردید، مدینه (در واقعه حره) آماج حمله قرار گرفت و لباس رسوایی بر تن دختران مهاجر و انصار پوشانند.

(ی) به کشتن اهل بیت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و تلاش برای قطع نسل حضرت پرداختند، حرم او را به اسارت بردند، یارانش را کشتند و افتخاراتش را وارونه ساخته و یاداش را قطع کردند.

(ک) امامی با سری شکافته در محراب افتاد؛

ل) امامی شهید گشت و کفن‌های پیکرش را در مراسم خاکسپاری با تیر سوراخ کردند ؛
 م) امامی تنش در صحرا ماند و سرش را بر روی نیزه نهادند؛
 ن) امامی در زندان به غل و زربند شد و اعضای بدنش با آهن (زنجیرها) آسیب دید؛
 س) امام نیز مسموم گشت و با نوشاندن سم، اعضای درون پیکرش را قطعه قطعه کردند.

۱۲. بزرگداشت مجاهدت‌ها

در زیارتنامه‌ها از تلاش و مجاهدت‌های معصومین علیهم‌السلام و رنج و محنت آنان در ابلاغ دین خدا یاد شده است

زیارت، زنده نگهداشتن یاد پیشوایان معصوم علیهم‌السلام و احیای نام، خاطره، معارف و میراث آنان است.

زائر در پرتو زیارت تلاش می‌کند جایگاه معصوم زیارت شده را پاس دارد، و برای پایداری و اعتلای دین، ارزش‌ها و مجاهدت‌های آن معصوم شهید را ارج نهد.

نقل شده که پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم هرگاه به زیارت شهدا می‌رفت، خطاب به آنان می‌فرمود:
 «السلام علیکم بما صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ» (لینی ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۵۶۰). سلام بر شما بواسطه صبر و تحملی که نمودید، پس خانه آخرت خوب خانه‌ای است.»

بیل از مقام و جایگاه والای پیشوایان معصوم علیهم‌السلام، جز با آمدن بر سر مزارشان، نشستن بر تربت پاک و پاک ریختن به یادشان و یادآوری حماسه‌های آنان میسر نیست. باید در آن اماکن مقدس، با الهام از معارف بیان شده در زیارتنامه‌ها، مجاهدت معصومین علیهم‌السلام را بیان کرد و ضمن بزرگداشت آنها، بر حفظ و رهروی از آن کوشید.

در فرازی از زیارت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به خیرخواهی حضرت نسبت به امت، جهاد در راه خدا و اوج بندگی ایشان اشاره شده است که زائر بدان شهادت می‌دهد:

وَأَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ نَصَحْتَ لِأُمَّتِكَ وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَعَبَدْتَهُ حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ
 فَجَزَاكَ اللَّهُ أَفْضَلَ مَا جَزَى نَبِيًّا عَنْ أُمَّتِهِ. (ابن قولویه قمی، ۱۳۵۶، ص ۲۰)

زائر در زیارت امیرمؤمنان علیه السلام از مظلومیت امام و غصب شدن حق او یاد کرده، صبر او را ارج می‌دهد و بر مقام والای شهادت او گواهی می‌دهد:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ أَشْهَدُ أَنَّكَ [أَنْتَ] أَوَّلُ مَظْلُومٍ وَأَوَّلُ مَنْ غُصِبَ حَقُّهُ صَبْرَتْ وَ احْتَسَبَتْ حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ وَأَشْهَدُ أَنَّكَ لَقِيتَ اللَّهَ وَأَنْتَ شَهِيدٌ (همان).

به فرمود امام صادق علیه السلام، زائر در حرم هر امامی، از مقام والای جهاد در کنار امام و محوریت آنان در حق و همچنین برخورداری آنان از میراث نبوت یاد کند:

أَشْهَدُ أَنَّ الْجِهَادَ مَعَكَ جِهَادٌ وَأَنَّ الْحَقَّ مَعَكَ وَلَكَ وَأَنْتَ مَعْدِنُهُ وَمِيرَاثُ النَّبُوَّةِ عِنْدَكَ وَ عِنْدَ أَهْلِ بَيْتِكَ (همان، ص ۳۱۷).

در زیارت امام حسین علیه السلام جلوه‌های تکریم متعدد است؛ امر و فراخوانی به قسط و عدل؛ ابلاغ فرمان الهی و عدم واهمه از هیچ کس، اقامه نماز، ادای زکات، امر به معروف، نهی از منکر، حرام کردن حرام خدا و حلال نمودن حلال الهی، و مقام والای شهادت، نمونه‌هایی از مجاهدت‌های شهید کربلا است:

- أَشْهَدُ أَنَّكَ أَمَرْتَ بِالْقِسْطِ وَالْعَدْلِ وَدَعَوْتَ إِلَيْهِمَا (ابن قولویه قمی، ۱۳۵۶، ص ۱۹۷).
- أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَغْتَ عَنِ اللَّهِ مَا أَمَرَكَ بِهِ وَلَمْ تَخْشَ أَحَدًا غَيْرَهُ (همان، ص ۲۰۲).
- أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ (همان، ص ۱۰۷).

- أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ حَلَلْتَ حَلَالَ اللَّهِ وَحَرَّمْتَ حَرَامَ اللَّهِ (همان، ص ۲۱۲).
- أَشْهَدُ أَنَّكَ حَيٌّ شَهِيدٌ تُرْزَقُ عِنْدَ رَبِّكَ (همان، ص ۲۲۰).

همچنین در برخی از زیارتنامه‌های ائمه اطهار علیهم السلام، از مجاهدت‌ها و رنج‌های یاران معصومین علیهم السلام همچون بی‌مهری‌ها نسبت به سلمان، منزوی ساختن مقداد، بعید ابوذر و آسیب زدن به عمار یاد و تجلیل می‌شود (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۹، ص ۱۶۷).

نتیجه گیری

زیارت یک قصد و توجه است و زائر به هنگام حضور در حرم معصومان علیهم السلام تلاش می کند به منظور پاسداشت و انس گیری با ایشان، از غیر او رو برگردانده، با عدول از جریان مادی و عالم طبیعت، به عالم روحانیتی که در پرتو اتصال با معصومان علیهم السلام بدست می آید روی آورد. بدیهی است زمانی که زندگی در پرتو زیارت بر مدار حجج الهی قرار گیرد حیاتی طیبه و معنوی شکل خواهد گرفت و از آن رو در این نوشتار بر دوازده حکمت زیارت تمرکز شده است که هر یک می تواند امتداد زیارت در زندگی را به تصویر کشد.

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

۱. آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، به شرح آقا جمال خوانساری، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۶۶ ش.

۲. ابن سینا، حسین بن عبد الله، رسائل ابن سینا، تهران، نشر مرکز، ۱۳۶۰.

۳. سبکی، علی بن عبد الكافی، شفاء السقام فی زیارة خیر الانام، تهران، نشر مشعر، ۱۴۱۹.

۴. ابن فارس، أحمد بن فارس، معجم مقائیس اللغة، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ ق.

۵. ابن قولویه قمی، جعفر بن محمد، کامل الزیارات، نجف: دار المرتضویة، ۱۳۵۶ ق.

۶. حرّ عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، قم، آل البيت (ع)، ۱۴۰۹ ق.

۷. خمینی، سید روح الله، کشف الاسرار، دار الکتاب.

۸. دار قطنی، علی بن عمر، سنن الدار قطنی، بیروت، دار المعرفة، ۱۴۲۲.

۹. ذهبی، محمد بن احمد، تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الاعلام، بیروت، دار الغرب الاسلامی، ۱۴۲۴ ق.

۱۰. راغب أصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت، دار القلم، ۱۴۱۲ ق.

۱۱. سمهودی، علی بن عبد الله، وفاء الوفاء باخبار دار المصطفی، لندن: مؤسسة الفرقان للتراث الاسلامی، ۲۰۰۱ م.

۱۲. شیخ صدوق، محمد بن علی، علل الشرائع، النجف، منشورات المكتبة الحیدریة، بی تا.

۱۳. _____، عیون أخبار الرضا (ع)، تهران: جهان، ۱۳۷۸ ق.

۱۴. _____، کتاب من لا یحضره الفقیه، قم، اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، ۱۴۱۳ ق.

۱۵. طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرین، تهران: مرتضوی، ۱۳۷۵ ش.

۱۶. طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، تهران: الاسلامیة، ۱۴۰۷ ق.

۱۷. _____، مصباح المتهجد و سلاح المتعبد، بیروت، مؤسسة فقه الشیعة، ۱۴۱۱ ق.

۱۸. فیومی، أحمد بن محمد، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر، قم، مؤسسة دار الهجرة، ۱۴۱۴ ق.

١٩. كليني، محمد بن يعقوب، الكافي، تهران: الاسلاميه، ١٤٠٧ق .
٢٠. ميثقي هندی، علي بن حسام الدين، كنز العمال في سنن الأقوال و الأفعال، بيروت، الرسالة، ١٤٠٥ق.
٢١. مجلسي، محمد باقر، بحار الأنوار الجامعة لدرر اخبار الأئمة الأطهار، بيروت، دار إحياء التراث العربي، ١٤٠٣ق.
٢٢. محدثي، جواد، فرهنگ زیارت، تهران: مشعر، ١٣٨٦ش.
٢٣. مفيد، محمد بن محمد، الارشاد في معرفة حجج الله على العباد، قم، آل البيت (عليه السلام)، ١٤١٣ق.
٢٤. نراقي، محمد مهدي، جامع السعادات، بيروت، مؤسسة الاعلمي للمطبوعات.

